

پیام قطعنامه

پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷ / ۵ ذی الحجه ۱۴۰۸

موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

مخاطب: ملت ایران

صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۷۴ الی ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
آمِينَ

علی‌رغم گذشت يك سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و
زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز
شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان
خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که
جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزارار

ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذنان آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند؛ و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بردهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از بت شکنی برمی‌گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: *وَأَدْنَى فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا بِأَبْرَهَنَةٍ* و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت‌پذیر گردند و در سیر و سیورورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به درآورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام و مُحَرَّم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند؛ و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه‌اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آن‌ها می‌دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛

و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد و «مفتی» ها و مفتی زادگان این نوادگان «بَلَعَم بَاعُورًا» ها، به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاق که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه - علیه لعنة الله - برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبد الله الحسین - علیه السلام - و یاوران باوفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین - علیه السلام - را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حَرَم، پاره کند؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مهدور الدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان شاء الله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست ناهلان و نامحرمان به مسجد الحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارباب دولتها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه صد عن سبیل الله و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی» های خود فروخته - لعنة الله عليهم - در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز بی‌بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود؛ و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد

جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت يك عبادت خشك و يك حرکت بیحاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی‌بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.

چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره‌خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج يك عبادت دسته جمعی و يك سفر زیارتی-سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان يك نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است؛ و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشك، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از ردایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی يك انسان و يك جامعه متکامل در دنیا است؛ و مناسك حج مناسك زندگی است؛ و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد-صلی الله علیه و آله و سلم- پیوند خورد و یکی گردد و بید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیین سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و

سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است؛ و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود پرسد ابراهیم و محمد-علیهم السلام- که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجبی که از آن هدم کفر و شرك بر نیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را يك مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به يك امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهان‌خواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت‌ها در مسیر کسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شريك غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و

حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و این گونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه‌انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آن‌ها را به حج چه کار! دست نشانندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!

واقعیت این است که دولت استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می‌دانند؛ اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست نشانگان و دربرگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.

و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند؛ و منافع جهان‌خواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد؛ و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت‌هایی را که حاکمان کشورشان بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان

چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حد اقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفردان اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است؛ و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهنخوااران در قلع و قمع مسلمانان آزاد نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم؛ و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت؛ و ان شاء الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است؛ و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست‌نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابو سفیان، اسلام مآلهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را

ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سربرآستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند. مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها يك جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به يك چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن‌فروشی نمی‌شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم‌آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟

راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات يك میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آن همه فجایع صهیونیستها بگذارند و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آن‌ها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول‌الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم؛ و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج‌خواهی

و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. ان شاء الله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود؛ و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است و گلستان ملت‌ها رخ نموده است؛ و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بروحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پر شور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است؛ و اولین گام در مبارزه اراده است؛ و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود.

به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم؛ و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم؛ و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم؛ و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی‌رغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده‌از اسرار جنایت‌های آمریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نمایند. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لا اقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا يك کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً آمریکا را شکست و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آن‌ها پیروزی است. که ان شاء الله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهان‌خواران و نیز جسارت ایجاد داریستهای بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سرداده شود، چه ضرری متوجه

استکبار می‌شود؛ و چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل این گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد؛ و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود.

ولی این مسأله باید روشن باشد که آن گونه راهپیماییها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برأت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود؛ و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود و در پناه همین برأت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر برآستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود؛ و با اینکه بیشتر از يك سال از حماسه برأت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین يك پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بردامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر این چنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند؛ و این تحقق همان شعار برأت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛

و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرמיד. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت؛ و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب درّیه فلسطین از شجره مبارکه «لا شرقیة و لا غربیة» ما برافروخت؛ و امروز به همان گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد؛ و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است؛ و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرگب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابره‌نه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است؛ و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم؛ و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پر فروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی‌تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در

اینجا مجال ذکر همه آن‌ها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیه‌های سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حيله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر يك از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترك نگويد.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند؛ و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند؛ و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب

را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمت‌تری ترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه ببریم؛ و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است؛ و مسلمانان در يك تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیره‌های بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درك شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد؛ و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاء الله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند؛ و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل يك صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است؛ و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده‌اند؛ و ان شاء الله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند

از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین - علیه السلام!

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیرو سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملیگراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست؛ و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، وای نیروهای مردمی، هر گز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است.

فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آن‌ها فرقی ندارد.

امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است؛ و دیروز خدا آن گونه خواسته بود؛ و فردا ان شاء الله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم؛ و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم؛ و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع‌کننده جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم؛ و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد

حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تا کنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم؛ و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنییم که ای خواب رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود؛ و این جانب به نظام‌های آمریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید؛ و همیشه این گونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومت‌های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که آمریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود؛ و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی زده‌ایم. ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیر منتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید.

خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لا اقل آزاده باشید.

بحمد الله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه‌توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان يك ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آن‌ها ولی و قیّم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آن‌ها؛ نه يك ایران با هویت ایرانی - اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارا به سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاح‌های مخرب

از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است؛ و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آن‌ها آشکار گردیده است که مرادوات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابره‌نه‌ها و محرومین در جهان مالکیت‌های بی‌حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابره‌نگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند؛ و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم؛ و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است؛ و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده

روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم؛ و خدا می داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هر گز رضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود؛ اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم؛ و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم؛ و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد؛ و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید پیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است؛ و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود؛ و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دار الشقای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل

شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم.

و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقادکننده و پرخاشگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت؛ و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید؛ و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندان‌شان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب این گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکشوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهان‌خواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود؛ و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه‌جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم.

و ملت ما هم نباید فعلاً مسأله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف

ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کیند و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدیتر بدانند؛ و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی داریم که در وقت مناسب خواهیم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه‌آفرینی‌ها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسأله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره‌خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند؛ و ملیگراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می‌گویم که قبول این مسأله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای

خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم؛ و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند؛ و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم؛ و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سرسازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی و ما تنهای تنهاسیم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه‌ای که عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد.

می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خدمتان این گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست؛ و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آن‌ها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین

پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان شاء الله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای يك مبارزه علمی و عملی بزرگ تارسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و گدا خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفته‌ها داشته باشیم. ان شاء الله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست؛ و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه

پیش‌تاز و سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند؛ زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمنده و در هر حادثه غمبار و مصیبت‌آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی - علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آن قدر آماج حملات و کینه‌ها گردند؛ و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند؛ و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در يك کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هر گز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاك و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاك و غیر متعهد وجود دارد؛ و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاك دیگر بیشتر است؛ و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس‌مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند؛ و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگ‌ها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می‌گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست‌دلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه

میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن‌ها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادتهای خود را نمی‌توانند پنهان سازند آن‌را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بند بند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

علما و روحانیون ان شاء الله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند؛ و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید؛ و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز این گونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد و آلا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ

نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم؛ و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست؛ و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوء استفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آن‌ها با ظاهری صد در صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابره‌نه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم؛ و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم؛ و از محضر مقدس بقية الله - ارواحنا فداه - عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. اِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ.

و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته. پنجم ذی حجه ۱۴۰۱ - ۲۹/۴/۶۷